

Capital, character and field of literary production in Salman Herati's poetry

Shahram Ahmadi*

Fatemehsadat Mirzade**

Abstract

The sociology of literature, which studies the production and social consequences of literature, as an interdisciplinary science, is related to literature, linguistics, and philosophy on the one hand, and to the social and historical sciences on the other. . Since after the victory of the revolution, sparks were created in social poetry and the social poetry of the revolution was formed as a powerful and well-established current, this study tries to use Bourdieu's theory of character and field and qualitative-descriptive analysis method. To examine the three main components of character, field and capital in Salman Herati's poems. According to the results of this research, Herati poetry as a poet's action is the result of the relationship between his character and position in the political, social and literary fields. As a revolutionary poet, in some of his poems he criticizes and protests against the unhealthy state of society, the class distance existing at that time, and Westernism. In the meantime, poetic acts with the theme of love and affection towards the Imams, the Supreme Leader, the martyrs, etc. have been used more prominently.

Keywords: Sociology of Literature, Character, Field, Capital, Action, Herati.

* Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mazandaran University
(Corresponding Author), sh.ahmadi@umz.ac.ir

** Master of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, ahmadish52@gmail.com

Date received: 06/02/2021, Date of acceptance: 10/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

سرمایه، منش و میدان تولید ادبی در شعر سلمان هراتی

شهرام احمدی*

فاطمه سادات میرزاده**

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات که به بررسی تولید و پیامدهای اجتماعی ادبیات می‌پردازد، به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای از یک‌سو، به ادبیات، زبان‌شناسی و فلسفه مرتبط است و از سوی دیگر به علوم اجتماعی و تاریخی. از آنجا که پس از پیروزی انقلاب در شعر اجتماعی جرقه‌هایی حاصل شد و شعر اجتماعی انقلاب به‌عنوان جریانی قدرتمند و تثبیت‌شده شکل گرفت، این پژوهش می‌کوشد تا با نظریه منش و میدان بوردیو و با روش تحلیل کیفی - توصیفی، سه مؤلفه اصلی منش، میدان و سرمایه را در اشعار سلمان هراتی بررسی کند. بر اساس نتایج این تحقیق، شعر هراتی به‌عنوان کنش شاعر، حاصل ارتباط منش و موضع او در میدان‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی است. او به‌عنوان شاعر انقلابی در برخی اشعارش انتقاد و اعتراض به وضعیت نابسامان جامعه، فاصله طبقاتی موجود در آن زمان و غرب‌گرایی دارد. در این میان کنش‌های شعری با مضمون حب و دوستی نسبت به امامان، رهبر معظم، شهیدان و ... برجسته‌تر به‌کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی ادبیات، منش، میدان، سرمایه، کنش، سلمان هراتی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، sh.ahmadi@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، ahmadish52@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

نقد جامعه‌شناختی ادبیات، شاخه‌ای از پژوهش‌های جدید است که با دیدگاهی بینارشته‌ای و بهره‌جستن از توانایی‌های شناختی جامعه‌شناسی و ادبیات به بررسی ارتباط میان جامعه و ادبیات می‌پردازد. براساس این‌دیدگاه ادبیات نیز مانند سایر هنرها در زندگی اجتماعی انسان ریشه دارد و نقش بازنمایی فضای جامعه را بر عهده دارد. در ادبیات معاصر فارسی شاعران برای بازنمایی فضای جامعه از شعر اجتماعی بهره بردند. هنر و ادب در هر دوره، نشان تکامل یافته‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی انسان در آن زمان است که برگرفته و به‌وجودآمده از شعوری خلاق است. شعور خلاق انسان در جریان آفرینش اثر ادبی از احساس او نسبت به واقعیت سرچشمه می‌گیرد. از این رو هنر و ادب را می‌توان محصول برخورد متقابل شعور خلاق انسان، با واقعیت اجتماعی زمان دانست. شعر اجتماعی بعد از انقلاب، ریشه در آرمان‌ها و ارزش‌های برآمده از بطن و متن انقلاب دارد و بیشتر متأثر از آموزه‌های اصیل دینی، سیره نبوی و عدالت علوی است. در دهه اول انقلاب، پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی به‌گونه‌ای دیگر است؛ موضع‌گیری بیشتر شعرها به سمت دشمنان بیرونی است و شاید به همین سبب، شاعران به ناهنجاری‌های درونی کمتر عنایت دارند. این شعرها، نخستین جرقه‌های پیدایش چیزی است که ما امروز به‌عنوان شعر اعتراض می‌شناسیم. شعر اجتماعی انقلاب به عنوان یک جریان قدرتمند و تثبیت‌شده با پذیرش قطعنامه و پایان یافتن دوران دفاع مقدس متولد شد و کارنامه شعر اجتماعی انقلاب را باید بیشتر در مقطع بعد از جنگ مورد کاوش قرار داد. با این حال در دهه اول انقلاب نیز نمونه‌های قابل تأملی از شعر اجتماعی در کارنامه شعر انقلاب قابل بررسی است. سلمان هراتی از شاعران شاخص و برجسته نسل اول انقلاب در کارنامه شعری خود نمونه‌های موفق از شعر اجتماعی دهه شصت را ثبت کرده‌است.

در بررسی آثار شعری از منظر اجتماعی، نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که نظریه «منش و میدان» بوردیو یکی از مهمترین نظریه‌ها در این حوزه است. این تحقیق که با روش کیفی - توصیفی نوشته شده‌است، به بررسی و تحلیل اشعار سلمان هراتی براساس نظریه منش و میدان پیر بوردیو می‌پردازد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد فرزانه الهی قلعه (۱۳۹۴) با عنوان «تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج بر اساس نظریه منش و میدان پیر بوردیو»؛ نویسنده در این پایان‌نامه با توجه به نظریه منش و میدان پیر بوردیو به تحلیل و بررسی اشعار هوشنگ ابتهاج در سه دوره شعری او بنابر فضای میدان سیاسی و اجتماعی جامعه عصر شاعر پرداخته است.

مقاله پرستش، رضایی و کرمی (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در میدان تولید ادبی» رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در بوف کور به واسطه تعبیر بوردیو و استفاده از مفاهیم نو بنیادش هم‌چون میدان منش و ذائقه مورد مطالعه‌ای از گونه تبیین میدانی قرار می‌گیرد.

مقاله پژمانفر، ذاکری و نبوی با عنوان «تحلیل بوردیویی میدان تولید ادبی شاهنامه و عادت‌واره فردوسی» به بررسی میزان تأثیر میدان تولید ادبی قرن چهارم به عنوان ابژکتیو و هم‌میزان تأثیر منش فردوسی به عنوان سوژکتیو در سروده شدن مهم‌ترین حماسه ملی ایران می‌پردازد.

۲. مبانی نظری

شاخصه متمایزکننده جامعه‌شناسی ادبی و فرهنگی بوردیو از دیگران، نگاه دیالکتیکی میان منش و میدان یا عین‌گرایی و ذهن‌گرایی است؛ یعنی به علت‌های بیرونی عین‌گرایانه و درونی ذهن‌گرایانه محدود نمی‌شود، بلکه دیالکتیک منش زیبایی‌شناسانه نویسنده، شاعر و ساختار میدان ادبی آن را شکل می‌دهد. میدان، ساختار ساخت‌یافته و درعین‌حال ساخت‌دهنده‌ای است که بر شبکه روابط بین موقعیت‌های فضایی ناظر است. مجموعه این روابط از قواعدی پیروی می‌کنند که در محدوده میدان حاکمیت دارد و استقلال میدان، قائم به آن است (پرستش، ۱۱۱:۱۳۹۳). مهم‌ترین میدان بوردیو، میدان قدرت است. میدان قدرت «فضای بازی است که دارندگان سرمایه‌های گوناگون خاصه برای اعمال قدرت بر دولت، درون آن به نبرد می‌پردازند» (بوردیو، ۱۴۴:۱۳۸۰). میدان قدرت همچون نیرویی میان موقعیت‌های اجتماعی وجود دارد و برای دارندگان خود متضمن نوعی سرمایه است؛ سرمایه‌ای که آنان را قادر می‌سازد تا به منازعات بر سر انحصار قدرت یا منازعات بر سر تعریف شکل مشروع قدرت وارد شوند. مؤلفه‌های این میدان عبارتند از: الف) میدان قدرت

کارکرد نوعی فرامیدان را ایفا می‌کند که اصل سازمان‌دهنده تمایز و منازعه در همه میدان‌هاست. ب) میدان قدرت طبقه اجتماعی مسلط را طراحی می‌کند. میدان‌سیاسی تابع برخی از اصول ساختاری کلی است که همه میدان‌های دیگر در آن‌ها شریک و سهیم هستند. کنش‌گران سیاسی از طریق مواضع سیاسی و راهبردهای سیاسی به دنبال کسب موقعیت‌های فرادست در میدان سیاسی است. به نظر بوردیو هر قدر میدان سیاسی مستقل‌تر می‌شود، به همان میزان ساز و کارهای درونی‌اش نیز نقشی مهم‌تر در فعالیت سیاسی ایفا می‌کنند. در واقع

میدان سیاسی جایی است که درون آن، کنش‌گران درگیر، دست به رقابت با یکدیگر بر سر محصولات سیاسی، مسائل، برنامه‌ها، تحلیل‌ها، تفسیرها، مفاهیم و وقایعی می‌زنند که شهروندان عادی آن‌ها به موقعیت یک «مصرف‌کننده» تقلیل یافته‌اند و ناچار به انتخابی هستند که امکان اشتباه در آن به همان میزان افزایش می‌یابد که آن‌ها از مکان تولید (سیاست) فاصله می‌گیرند (بونویتز، ۱۳۸۹: ۸۲).

منش از نظر بوردیو، مجموعه‌ای از روابط تاریخی تثبیت‌شده‌ای است که در قالب الگوی ذهنی، جسمی، ادراک، ارزیابی و عمل ظاهر می‌گردد. موقعیت‌ها همان حلقه‌ای است که مفهوم منش را به لحاظ وجودی به مفهوم میدان پیوند می‌زند و این دو مفهوم در رابطه دیالکتیکی با هم قرار دارند (پرستش، ۱۳۹۳: ۶۹). بوردیو معتقد است که منش و میدان هر دو دارای ساختار هستند و در روندی تاریخی به وجود می‌آیند. می‌توان عادت‌واره را بخشی از جامعه دانست که در فرد زندگی می‌کند و میدان را هم می‌توان همان ساختار اجتماعی در نظر گرفت. از نظر وی عوامل گوناگونی در زندگی ما ساختار یافته هستند و از میان آن‌ها یکی عادات یا گرایش‌های افراد است که شامل احساس و عمل آن‌ها می‌شود و دیگری میدان اجتماعی که شامل موقعیت‌های اجتماعی ساختاری و چگونگی توزیع منابع و امکانات است. این ساختارهای مختلف به طور مرتب بر یکدیگر تأثیر گذاشته و در طی این تقابل، افراد یکدیگر را می‌شناسند. ممکن است در طول این فرآیند دیالکتیکی، چیزهای جدید به وجود آیند که بر روی منش و میدان هم تأثیری دوباره داشته باشند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۳۳۲).

یکی از موضوعات مورد تأکید بودیو در نظریه‌اش اصطلاح «سرمایه» است. سرمایه را می‌توان واقعیت اساسی نظام سرمایه‌داری دانست که هم روند و هم محصول یک

میدان است. بورديو چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند: ۱- سرمایه اقتصادی: که حالت بنیادی دارد؛ به طوری که بر سطح سایر سرمایه‌ها نیز مؤثر واقع می‌شود. می‌توان گفت همان سرمایه اولیه افراد است که انواع دارایی مالی و مالکیت خصوصی یا عمومی را شامل می‌شود. ۲- سرمایه اجتماعی: که به گونه‌ای وابسته به شبکه اجتماعی است و فرد در آن به اجبار زندگی می‌کند. در واقع سرمایه اجتماعی همان طبقه اجتماعی فرد است. ۳- سرمایه فرهنگی: به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادات، خصوصیات فکری و تربیتی و طبع‌های فرهنگی اعم از: دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی دلالت می‌کند. ۴- یک قابلیت است که افراد از طریق آن نمادهایی را به کار می‌برند که بتوانند آن‌ها را به واقعیات اجتماعی تبدیل کنند. در نظر بورديو کل روابط انسانی به صورت نمادین شکل گرفته و این‌که همه مردم قدرت نمادین برابری ندارند. سرمایه نمادین اساسی انسانی دارد که به قوای شناختی او برمی‌گردد و ماهیت اجتماعی دارد؛ آوازه، شهرت و به طور کلی خصوصیات اخلاقی را شامل می‌شود (صالحی، سپهرنیا، ۲۰: ۱۳۹۰). پس دولت با دراختیارداشتن انواع مختلف سرمایه (سرمایه اقتصادی، فرهنگی، نیروی فیزیکی یا ابزارهای ارتش و پلیس و ...) در واقع دارنده نوعی فراسرمایه است. انباشتگی انواع مختلف سرمایه نزد دولت، موجب جمع‌آوری سرمایه‌ای خاص می‌شود که دولت می‌تواند بر حوزه‌های مختلف و به خصوص به نرخ تبدیل میان آن سرمایه‌ها و قدرتی که بر دارندگان سرمایه اعمال می‌گردد، تسلط داشته باشد (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

کنش در نظر بورديو، نتیجه رابطه بین تمایلات شخصی (منش) و جایگاه او در میدان (سرمایه) است به گونه‌ای که امکان بروز آن در شرایطی خاص فراهم می‌گردد.

[عادت‌واره) × (سرمایه) + میدان = کنش

این معادله نشان‌دهنده اجزایی است که برای درک نگرش بورديو اهمیت زیادی دارد: در واقع سه «ابزار تفکر» اصلی او: عادت‌واره، میدان و سرمایه در ارتباط با یکدیگرند. از نظر بورديو عملکرد واسطه‌ای میان ساختمان ذهنی و جهان اجتماعی است. از طرفی ساختمان ذهنی از طریق عملکرد به وجود می‌آید و از طرف دیگر، جهان اجتماعی در نتیجه عملکرد آفریده می‌شود. کنش‌ها صرفاً نتیجه عادت‌واره فرد نیستند، بلکه نتیجه رابطه بین عادت‌واره شخص با وضعیت فعلی او هستند؛ بنابراین برای درک کنش، فرد باید

هنجارهای میدان اجتماعی را با منطق عملی عاملان اجتماعی همراه سازد (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۵: ۷).

از نظر بوردیو، هر میدان تولید فرهنگی، خُلق و خواهی معین یعنی منش‌های شبیه به هم را پدید می‌آورد. تولیدکنندگان، این خُلق و خواهی را می‌پذیرند و درونی می‌سازند. می‌توان گفت، میدان (موقعیت‌ها) و منش (خُلق و خواهی) در پیوندی تنگاتنگ، عاملان را سازگار می‌کنند. بر اثر رابطه دیالکتیکی میان منش و میدان، کنش‌ها به‌خصوص کنش‌های فرهنگی پایه‌ریزی می‌شوند (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۲۱). سرمایه، منش، میدان و کنش‌های شاعرانه از عواملی است که باعث تولید یک اثر ادبی می‌شود و ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهد.

۱.۲ سرمایه‌هراتی

سرمایه به سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین تقسیم می‌شود و از نظر بوردیو، سرمایه اقتصادی و فرهنگی در میان انواع سرمایه‌ها از مهم‌ترین ملاک‌های تمایزگذاری میان موقعیت عاملان در فضای طبقات اجتماعی هستند (بونوتیز، ۱۳۸۹: ۶۷). به لحاظ سرمایه اقتصادی قابل ذکر است که هراتی در سال ۱۳۳۸ در روستای مزدشست تنکابن استان مازندران به دنیا آمد. از همان ابتدای جوانی به دلیل فقر مادی، برای گذران معاش به شاگردی می‌پرداخت و با چوپانان محلی (گالش‌ها) به چوپانی می‌رفت و از همین رهگذر با ترانه‌های محلی آشنایی پیدا کرد (خادمی کولایی، ۱۳۸۵)؛ از این رو، جایگاه هراتی در فضای اجتماعی از لحاظ سرمایه اقتصادی مناسب نبوده است.

در خصوص سرمایه فرهنگی باید گفت که این سرمایه از نظر بوردیو دارای ابعاد متفاوتی از جمله دانش عینی درباره هنرها و فرهنگ‌ها، سلیقه و ترجیحات فرهنگی، مهارت‌های فرهنگی مانند: نواختن آلات موسیقی و توانایی تشخیص خوب و بد است. بوردیو سرمایه فرهنگی را بُعدی از یک عادت‌واره گسترده می‌بیند؛ از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه شکل تقسیم می‌شود: ۱- حالت متجسم سرمایه فرهنگی به معنای حق استفاده بادوام از ذهن و جسم، ۲- حالت شیء شده یعنی هنگامی که سرمایه فرهنگی به کالایی از قبیل تصاویر، کتاب‌ها و غیره تبدیل شده باشد، ۳- حالت نهادینه شده یعنی وقتی سرمایه فرهنگی به صورت یک مدرک دانشگاهی مورد تأیید قرار گیرد. ایشان در این بخش

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۹

بر تحصیلات و وضعیت فرهنگی خانواده تأکید دارد (خادمیان، ۱۳۸۷: ۳۸). از این رو سرمایه فرهنگی را می‌توان بازتابنده طبقه اجتماعی صاحب آن سرمایه دانست. سرمایه فرهنگی به وسیله موقعیت اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد شکل می‌گیرد. بازتولید فرهنگی در اشکال نهادینه شده مانند: مدارک تحصیلی و موقعیت‌های شغلی و ... نمود پیدا می‌کند.

۱.۱.۲ مدرک تحصیلی

در این راستا، هراتی درس‌های ابتدایی را در زادگاهش خواند و برای مقطع متوسطه به شهر خرم‌آباد تنکابن رفت و به‌طور شبانه در رشته ادبی مشغول به تحصیل شد. در سال ششم متوسطه به دلیل بیماری روحی که در اثر یک حادثه به آن دچار شد، مردود شد. بعد از آن به تهران عزیمت کرد و موفق به اتمام تحصیلات متوسطه شد. این اتفاقات مصادف با وقوع انقلاب بود. سلمان بعد از سربازی در اصفهان، در رشته هنر دانشگاه تربیت معلم پذیرفته و دوباره رهسپار تهران شد.

۲.۱.۲ شغل

هراتی هم‌زمان با تحصیل دوره متوسطه، در یک مغازه خرازی مشغول به کار شد. هراتی پس از پایان تحصیل دانشگاه برای چند سال اول خدمت به مناطق محروم فرستاده شد و علی‌رغم تلاش زیاد برای انتقال به تنکابن، این امر میسر نشد. بورديو فرهنگ را به دو حوزه فرهنگ والا و فرهنگ عام تقسیم می‌کند و معتقد است که گروه‌های نخبه هر جامعه با تعریف مشروع و نامشروع، ارزش مهارت‌ها و دانش خاص خودشان را محفوظ نگاه می‌دارند و از این طریق منزلت و شأن خود را تحکیم می‌بخشند. سلمان به سبب برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی خاص و پرورش در جغرافیای انسانی ویژه دارای زبانی ساده و عامیانه‌گراست، از این رو در شعر او با ضرب‌المثل‌ها، باورها، اصطلاحات عامیانه، واژه‌های روزمره و حتی گاهی بومی مواجه می‌شویم که در ایجاد اشتراک فرهنگی و تحکیم پیوندهای فکری و زبانی یک ملت اثری اجتناب‌ناپذیر دارند.

۳.۱.۲ سرمایه ادبی

هراتی در تولید سرمایه ادبی از دو بخش ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر بهره جسته است. در خصوص بررسی سرمایه داخلی، در بخش ادبیات کلاسیک، هراتی در حوزه فرم و در حوزه مخاطب دارای شاخصه خودآزمایی بوده و در قالب‌های شعری ادبیات کلاسیک نظیر: غزل، مثنوی، رباعی، دو بیتی و چهارپاره شعر سروده‌است. در بخش ادبیات معاصر، ابتدا اگرچه هراتی از منظر زبانی و بینش عرفانی و طبیعت‌گرایی، تحت تأثیر فروغ، سهراب سپهری و نیما یوشیج قرار گرفت، اما در ادامه از تقلید پرهیز کرد. درحقیقت، خلاقیت، جهان‌بینی و بی‌پیرایگی که در ذات شعر ایدئولوژیک وجود دارد، مسیر وی جدا ساخت و حاصل کار، سبکی شد که باید آن را ره‌گیری شعر آسان انقلاب نام نهاد. در بخش توانایی و میزان استفاده هراتی از محصولات فرهنگی باید گفت که او به هنر در قالب زمینه‌هایی مثل تئاتر، ادبیات، عکاسی، موسیقی و نقاشی علاقه داشت. او در یک خانواده مذهبی و کشاورز متولد شد. قبولی او در دانشگاه موجب آشنایی وی با محیط دانشگاه و فضای هنری موجود در آن‌زمان شد که بر او تأثیر فراوان گذاشت. تخلص او در اشعارش آذرباد است. دوستی او با سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور زبان زد است؛ مثلثی که بعدها اخوان ثالث شعر انقلاب مشهور شدند (مجله گلبرگ، ۱۳۸۴: شماره ۶۸).

۲.۲ منش (عادت‌واره) هراتی

برای تعیین عادت‌واره یک فرد می‌توان تربیت خانوادگی، رفتار نهادینه‌شده او، رویکرد فکری و جهان‌بینی، رویکرد عاطفی، ذوق و علاقه‌مندی‌ها و ... را در نظر گرفت.

۱.۲.۲ تربیت خانوادگی

در بحث «تربیت خانوادگی» باید دانست خانواده یک اصل به‌وجودآورنده واقعیت اجتماعی است که در عین حال، هم‌ذاتی و درونی تک‌تک افراد است، از آن جهت که یک جمع درآمیخته‌اند و همچنین تعالی یافته از آنان است، زیرا با آن در قالبی عینی مواجه می‌شوند که در تمامی افراد دیگر، غیر از خودشان نیز نمایان است (بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۸۵). سلمان هراتی درباره خانواده خود سخنی نگفته، اما از پیشه خانوادگی او که کشاورزی است می‌توان برداشت کرد که از سادگی و صمیمیت برخوردار بوده و در فضایی

به دور از پیچیدگی و تجملات رشد و نمو داشته است. همچنین علاقه وی نسبت به انقلاب و مذهب از خانواده او ریشه یافته بود:

ای دانه‌هایی که
بر بام آفتابگیر شالی‌خانه
بی‌تاب روز سرزدن از خاکید
فردا/ زنان آبادی
شما را در آب خواهند ریخت
و در «تومجار» می‌پایند ...

(هراتی، ۱۳۸۰: ۲۵۵ و ۲۵۶).

۲.۲.۲ رفتار نهادینه‌شده

منظور از «رفتار نهادینه‌شده» هم رفتاری است که فرد با توجه به شخصیت و تربیت خانوادگی‌اش و همچنین با توجه به موقعیت‌هایی که در آنها قرار می‌گیرد، در او درونی شده‌اند که از خود بروز می‌دهد. سلمان دارای شخصیتی عجول و در بسیاری اوقات احساساتی بود که در آثارش مشهود است. همچنین به گفته خانواده‌اش، دارای شخصیتی بذله‌گو و بشاش بود و در جمع‌های دوستان، شخصیتی محوری و مرکزی داشت. اوایل خدمت وی در مناطق محروم و دیدن و لمس وضعیت مردم در آن شرایط سخت و وجود نابرابری‌ها و فاصله‌های طبقاتی در جامعه آن‌زمان که مصادف با وقوع انقلاب بود، هراتی را بسیار تحت تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که بازتاب این‌ها در اشعارش قابل مشاهده است. مدرنیسم در شعر سلمان چهره‌ای زشت دارد و مدام از جانب او سرزنش می‌شود. دنیای آرمانی او با آنچه مدرنیسم دنبال می‌کند در تضاد است؛ برای مثال، یکی از ویژگی‌های مدرنیسم سنت‌گریزی است، در حالی که سنت برای هراتی ارزش محسوب می‌گردد. او عامل بسیاری از ناامنی‌ها را سیاست‌های جوامع غربی می‌داند و پیوسته نکوهش می‌کند:

من هم می‌میرم
اما نه مثل غلامحسین
از مارگزیدگی

پس پدرش به دره‌ها و رودخانه‌های بی‌پل

نگاه کرد و گریست

چه کسی آغل گوسفندان را پاک می‌کند؟

(همان: ۱۹۸).

۳.۲.۲ جهان‌بینی و رویکرد فکری

در خصوص «جهان‌بینی و رویکرد فکری»، هراتی از پیشگامان صاحب سبک شعر انقلاب و ادب پایداری و نیز از تأثیرگذارترین شاعران در حوزه زبان و ادبیات این دوره است. در واقع، شعر او برآمده از اعتقادات و برداشت‌های اجتماعی و جهان‌بینی اوست. علت شهرت سلمان را می‌توان شعرهای انتقادی و اجتماعی او دانست. هراتی از آنجا که خود را مدیون مردم می‌دانست، شعر را فضایی برای ادای تعهد اجتماعی و سیاسی خود در نظر می‌گرفت:

کسانی که از هم می‌پرسند:

چگونه هنوز هم زنده‌ایم؟

میان آفتاب و مردم راه می‌روم

و ترانه‌هایم را که از امید سرشارند

در جیبشان می‌ریزم

در سبدهای خالی‌شان

در دل‌شان

و دفتر لبخندهایم را

با مردم کوچه و خیابان

ورق می‌زنم

(همان، ص ۲۴۱-۲۳۹).

۴.۲.۲ رویکرد عاطفی

در بحث «رویکرد عاطفی»، ادبیات همواره جولان‌گاه مناسبی برای بیان اندیشه‌ها، احساسات و عواطف شاعران بوده و هست. شاعر تجربیات و احساساتی را که با تمام وجود خود لمس کرده در قالب الفاظ می‌ریزد و آن را مانند تصویری آهنگین مقابل چشمان خواننده

قرار می‌دهد. این اندیشه‌ها را می‌توان نتیجهٔ حوادث و رویدادهایی دانست که پیرامون زندگی شاعر رخ داده‌است. ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... تأثیر مستقیم در نوع نگرش و عاطفهٔ شاعر دارد؛ برای مثال، سلمان در اشعارش آرمان‌شهری را به‌تصویر می‌کشد که در آن فقر و محرومیت، فاصله‌های طبقاتی، غرب‌گرایی و ... وجود ندارد و نگاه او برگرفته از روح لطیف او سرشار از امید و بشارت است. او در اشعارش به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات مردم توجه داشته و برای همین عنوان «شاعر معترض اجتماعی» را به او داده‌اند:

افغانستان مقاوم
به پرستیژ نظامیان تف می‌کند
جایزهٔ صلح را
به دجال یک چشم می‌دهید
و امنیت را در خاورمیانه اعلام می‌کنید
و برای آمریکا
کارت تبریک می‌فرستید
دست مریزاد

(همان: ۹۱ و ۹۲).

در خصوص «ذوق و علاقه‌مندی‌ها»، سلمان بسیار اهل تفریح و تفرج با دوستان بوده و کم‌تر پیش می‌آمد که در خانه بماند. هراتی به موسیقی، نقاشی، عکاسی و به کل هنر علاقهٔ فراوان داشته است و در کنار تدریس به کارهای هنری دیگر هم پرداخته است:

سارغم را بدهید
توشه را بردارید
باید از خانه گریخت
باد باید شد و از صحرا رفت
رود باید شد و تا دریا خواند
قاصد پاک سحر آمده است... در تمام تن راه
نفس گرم مؤذن بود

تو نمی دانی، که صبح سفر
چه صفایی دارد
دست‌ها را، در زلال خنک چشمه رها می‌سازیم
تا غروب از نفس چشمه پریم
(همان: ۲۷۴ - ۲۷۳).

۳.۲ میدان در اشعار هراتی

میدان، ساختار اجتماعی است که از رابطه دیالکتیک عوامل اجتماعی و عوامل گوناگون موقعیتی شکل می‌گیرد. در رابطه با تأثیر میدان در تولید اثر ادبی اشعار هراتی می‌توان میدان اجتماعی، میدان انقلابی، میدان مذهبی و میدان فرهنگی را مورد توجه قرار داد.

۱.۳.۲ میدان اجتماعی

بنابر تعریف بوردیو یک میدان، عرصه اجتماعی است که مبارزه‌هایی با تکاپو بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آن‌ها صورت می‌پذیرد (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۵). نوعی قلمرو زندگی اجتماعی که دارای قواعد سازماندهی خاص خود است، مجموعه‌ای از موقعیت‌ها را فراهم می‌کند و حامی کنش‌های مرتبط با آن موقعیت‌ها است و مشارکت‌کنندگان در میدان‌های اجتماعی درست همانند بازیگران یک بازی در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند. با توجه به وضعیت جامعه زمان سلمان هراتی می‌توانیم جلوه‌های پایداری را در اشعار او ببینیم. «ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایط اختناق و استبداد داخلی، عدم آزادی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹). در نمونه‌های زیر فضای اجتماعی شاعر در ابیات‌اش بازنمایی شده است:

آی شمایان شب‌نشین
که نغمه قبیحی
به خوش‌رقصی تان وامی دارد
... باری لجن هزار مرداب

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۱۵

از دلتان نشست کرده‌است
... که تشنه خون آفتاب شده‌اید
... با من بیا/ به هزاره آوار

و ببین

پایان زندگی

چه قدر مستند است

(هراتی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۱).

و امروز ماییم

ماییم و تراکم برف‌های بومی

آیا هنوز نمی‌بینی

افسردگی را؟

آن که دیروز با ما

در لبخندی عمومی شکفت

نگاه کن

او یک بی تفاوت هیجده ساله است

(همان: ۲۳۶).

ای بانیان غبارهای شبهه و وحشت

دمندگان شیپورهای شایعه

شیپورهای کذب

ای حنجره دیگران

آن قدر که از تو بی‌مناکم

از توافق دست‌ها و آهن‌ها

هرگز!

(همان: ۲۲۵)

۲.۳.۲ میدان انقلابی

ادبیات دفاع مقدس به‌ویژه هشت سال مقاومت و حماسه در مجموعه تاریخ ادب ایران از آن جهت که مبتنی بر فرهنگ ستم ستیز اسلام و تشیع است، بی‌نظیر و منحصر به فرد است. در طول بیش از هزار سال، ادبیات مدون ما، حادثه‌ها، جنگ‌ها و فراز و نشیب‌های فراوان دیده است، اما در هیچ دوره‌ای مقاومت و ایستادگی یک جامعه با درون‌مایه عمیق اعتقادی برخاسته از فرهنگ اسلامی، به‌ویژه عناصر حرکت آفرین شیعی - هم‌رنگ و هم‌سنگ ادبیات این دوره یافت نمی‌شود. یکی از محورهای اصلی شعر انقلاب، شعر دفاع مقدس است. می‌توان گفت محورهای اصلی و فرعی دیگر شعر انقلاب حداقل در زمان جنگ تحمیلی حول این محور تأثیرگذاری می‌چرخید و شاعران در طول هشت سال دفاع مقدس قالب‌های شعری خود را معطوف به محور جنگ و دفاع مقدس کردند. سلمان زمانی به جمع شاعران جنگ پیوست که تب و تاب شعار دادن برای جنگ در حال خاموش شدن بود. او از سال ۱۳۵۲ به نوشتن روی آورد و با ذات پوینده‌اش سرودن شعر را تجربه کرد. اوج کار وی مصادف با سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی بوده است. او نسبت به اتفاقاتی که در پیرامونش رخ می‌داد نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد و بدین ترتیب به اتفاق چند تن دیگر از شاعران جوان راهی را آغاز کرد که موجب پیدایش جریان شعر انقلاب و دفاع مقدس شدند.

الف) جبهه: جبهه جایی است به وسعت همه دنیا و به طول تاریخ و عرض زمان که افراد درون آن از همه چیز خود گذشتند و جان خویش را در کف دست نهادند و آن را بدون هیچ توقعی در راه خدا تقدیم نمودند:

ای خدا

مهربانی آبی!

آه دست بالاتر ای خوب

جبهه با تو / مساوی است با فتح

با دشت‌های شقایق

جبهه منهای تو هیچ معنا ندارد

(همان: ۳۸۷).

جبهه یکی از موضوعات مهم ادبیات پایداری و برانگیزنده غیرت ملی است؛ به طوری که شاعر به خود و دیگران تلنگری می‌زند و آنان را برای رفتن به جبهه و دفاع از آیین و میهن تشویق می‌کند. هراتی در شعر آزاد «بر قله‌های انتظار» بیان می‌کند برای فتح قله‌های بلند پیروزی باید شمشیر و سلاح به دست گرفت و در برابر ظلم و فتنه ایستاد:

ای مقتدای آب‌های آشوب

در روزگار جسارت مرداب

و گستاخی قارچ‌های مسموم

طوفان آخرینی

که بر گستره خاک خواهد گذشت

ای شوکت طلوع هزار آفتاب

تو شیونی

بلندتر از

فروود هزار کهکشان به زمین

...

باغ‌ها از پاییز بر می‌گردند

و درختان در انتظار بارش آخرین

سرخوش می‌ایستند

بر آخرین قله‌های انتظار ایستاده‌ایم

و زمین را

که در باتلاق تقلب بازیگوشی می‌کند

تشر می‌زنیم

بی‌گمان

تا فتح قله دیگر

فرمان عشق آتش است

مرا با رکود مرداب‌ها کاری نیست

من به تقای دست‌های کریم

نماز خواهم برد

و خاک مستعد را
با نه‌های روان
آشتی خواهم داد
... باید دست‌ها را به قبضه شمشیر سپرد
و حنجره بدی را فشرد
آه ای پیشوای اقیانوس‌های شورش
شب‌نشینی دنیا به طول انجامید
طوفان را رها کن
و اسب آشوب را
افسار بگسل!

(همان: ۳۴-۳۰).

ب) جنگ: جنگ تحمیلی سبب شد تا آمیختگی خاصی بین مفاهیم انقلاب و ارزش‌های والای آن با بزرگداشت وطن و احساس تعلق روحی و جسمی به شعر ایجاد شود. شاعر در کنار توصیف صحنه‌های شور و حماسه هشت سال دفاع مقدس، در خطر بودن مرزهای جغرافیایی کشور را هم مورد توجه قرار داد. هراتی وطن را خانواده خود می‌دید که مورد هجوم تجاوزگران واقع شده بود:

سبزند که از هوای باغ آمده‌اند
سرخند که از کویر داغ آمده‌اند
در اوج تراکم شب ظلمانی
مردانه به یاری چراغ آمده‌اند

(همان: ۳۲۰).

او هم چنین در شعر «خواهش شکستن» می‌نویسد:

چنان درخت در این آسمان سری داریم
برای حادثه دست تناوری داریم
و فور فتنه اگر هست آسمان با ماست
که چشم لطف ز دنیای دیگری داریم

اگرچه از عطش و التهاب می‌خوانیم
برای عشق ولی دیده تری داریم
چنان پرنده در آن میهمانی آبی
ز جنس ابر به بالای خود پری داریم
برای رفتن از اینجا میان سینه تنگ
دلی به پاکی بال کبوتری داریم
دوباره بر لب دل خواهش شکستن رُست
هنوز آرزوی زخم دیگری داریم
(همان: ۳۰۹ - ۳۰۸).

ج) شهادت: موضوع «شهید» و «شهادت» در شعر دفاع مقدس بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌است. تجلیل از شهیدان به‌عنوان کسانی که در راه عقیده‌ی خود به‌جهاد برخاستند و در این راه در خون خود غلتیده‌اند، در شعر فارسی سابقه طولانی دارد:

شهید
رود سرخی است که تا
ابدیت جاری است
(همان: ۳۵۸).

در مثنوی «کشف آفتاب» هراتی، شهیدان را مظهر استواری می‌خواند که تا آخرین لحظه عمرشان مقاومت کردند و داغ ماتم‌شان آن‌قدر زیاد است که از ابرها فراتر رفته است:

سفر گزید از این کوچه باز هم نفسی
پرید و رفت بدان‌سان که مرغی از قفسی
کسی که مثل درختان به باغ عادت داشت
شبیبه لاله به انبوه داغ عادت داشت
کسی که هم‌نفس موج‌های دریا بود
صداقت نفسش در نسیم پیدا بود
کنون دریچه دل را به روشنی واکن
به یاد او گل خورشید را تماشا کن

کسی که آب شدن را در التهاب آموخت
شکوه سبز شدن را در آفتاب آموخت
کسی که شایبه آن نقاب را فهمید
کسی که حیلۀ سنگ و سراب را فهمید
کسی که با تپش مرگ زندگی کرد
کسی که با همه جز خویش مهربانی کرد
کسی که با دل ما ارتباط آبی داشت
هزار پنجره مضمون آفتابی داشت
به کشف مشرق‌های خورشید دیگر رفت
هزار مرتبه از ابرها فراتر رفت
(همان: ۳۱۸ - ۳۱۷).

۳.۳.۲ میدان مذهبی

اشتیاق سرودن شعرهای ناب با مضامین اعتقادی، یکی از مهم‌ترین شوق‌های زندگی سلمان هراتی است. شعرهای او ریشه در آتش عشق و ایمان دارند. عشق در اشعار هراتی آسمانی است. خط سیر سُرّایش او با موضوعات دینی و روحانی بدون آنکه از واژه‌ها و اصطلاحات خاص مذهبی بهره بگیرد، جلوه عرفانی و شکل نیایش‌گونه دارد و به دور از تکلف بیان می‌شود. از ویژگی‌های بارز این میدان، مطابقت از باورها و اعتقادات مذهبی است. تمام آموزه‌های دینی از جمله قرآن، نهج البلاغه، سخنان معصومین و سیره ایشان که بر پایداری و استقامت در برابر مشکلات و مصائب تأکید می‌کند، در اشعار او نمایان است.

الف) راز و نیاز با خداوند:

درخشش تو مثل آبشاری
از بلندی‌های محال می‌ریزد
در تخیل پنجره‌ای است
که هفت آسمان در او جمع می‌شود
من به مدد مهربانی تو

و آفرينه‌های اين تخيل مغموم
در باغ‌های ناممکن آواز می‌خوانم
برای سنگ‌های پرنده... گاهی آنقدر واقعیت داری
که پيشانی‌ام
به یک تکه ابر سجده می‌برد و به یک درخت خیره می‌شوماز سنگ‌ها توقع دارم
مهربانی راباران بر کتفم می‌بارد
دستهایم هوا را در آغوش می‌گیرد شادی
پایین‌تر از این مرتبه است
که بگویم چقدر

(همان: ۱۸۸-۱۸۷).

ب) امامان، معصومان و بزرگان دین:
برای مولای متقیان علی(ع) در شعر «امتزاج آسمان و خاک»:

باد ایستاده بود
آفتاب هیچ بود
کھکشان درنگ داشت
خاک بی‌قرار بود
تا تو آمدی
شب بهار شد
سنگچکه چکه ریخت
جویبار شد
ابتدای تو
امتزاج آسمان و خاک بود
ای تمام تو تمام نور
تا ببینمت
هر ستاره روزنی است
سمت بی‌نهایت حضور تو

چون که نیستی
آفتاب فرصتی است ...
من میان ابر و خاک
مانده‌ام غریب
بی تو خاک را
عادت حیات نیست
بی تو از چه می‌توان سرود
بعد تو
هر دریچه‌ای که دیده‌ام
چشم احتیاج بود
لطف دست‌های تو بهار را نوشت...

(همان: ۲۶۳-۲۶۱)

برای سیدالشهدا (ع):

بالای تو مثل سرو آزاد افتاد
تصویری از آن حماسه در یاد افتاد
در حنجره گرفته صبح غریب
تا افتادی هزار فریاد افتاد
(همان: ۱۶۷ - ۱۶۶).

برای امام سجاد(ع):

بیزارم از آن حنجره کو زارت خواند
چون لاله عزیز بودی و خارت خواند
پیغام تو ورد سبز بیداران است
بیدار نبود آنکه بیمارت خواند
(همان: ۱۶۶).

۴.۳.۲ میدان فرهنگی

سلمان هراتی به فراخور موقعیت، در دستی اسلحه دارد و قلب تیرگی‌ها و تباهی‌ها را با سلاح مادی نشانه می‌گیرد و در زمانی دیگر سلاح معنوی آموزگاری را با پرورش افکار و شکوفا کردن استعدادهای دانش‌آموزان در جهت اهداف ارجمند خود به‌کار می‌گیرد. در کلاس درس، فکر و عاطفه را درهم می‌آمیزد و همچون معجونی جان‌پرور، اندیشه دانش‌آموزان را قدرت می‌بخشد:

ساعت انشاء بود

و چنین گفت معلم با ما:

بچه‌ها گوش کنید

نظر من این است

شهدا خورشیدند

مرتضی گفت: شهید

چون شقایق سرخ است

... مصطفی گفت: شهید

مثل یک نمره بیست

داخل دفتر قلب من و تو می‌ماند

(همان: ۳۶۷ - ۳۶۶).

یا: در نمونه‌ای دیگر در شعر «پیام»:

با من بجزء حماسه نگو

از من بجزء تفنگ نخواه

زیرا معلم

فرمانده من است

سنگر، کلاس ماست

ما با گچ‌فشنگ

همواره بی‌درنگ نوشتیم: «پیروز می‌شویم» تخته سیاه ما

قلب سیاه دشمن اسلام است

(همان: ۳۶۵).

۴.۲ کنش‌های شاعرانه هراتی

هر فراز و نشیبی در میدان قدرت، تأثیرات خود را بر سایر میدان‌ها، از جمله میدان ادبیات، برجای می‌گذارد. زیرا میدان قدرت کارکرد نوعی فرا میدان را ایفا می‌کند که اصل سازمان‌دهنده تمایز و منازعه در همه‌ی میدان‌هاست. کنش‌های شاعرانه هراتی در موارد مختلف و با مضامین متنوعی مانند وطن‌دوستی، طبیعت‌گرایی، فقر و محرومیت، احتکار و گرانی و... در شعرش نمود پیدا کرده است که حاکی از جهان‌بینی شاعر در رابطه دیالتیکی با ساختار اجتماعی زمانه خود است.

۱.۴.۲ وطن ستایی

وطن در شعرهای سلمان به اعتبار ارزش‌ها، باورها، انقلاب، شهادت و ایمان اعتبار یافته است. تلفیقی از عشق و عقل، در ذهن هراتی وطن را هویت می‌بخشد و اسطوره‌های ذهنی او نیز با باورها و ارزش‌های متعالی شاعرانه پیوند خورده‌اند. او در شعر سپید «دوخ و درخت گردو» ضمن ابراز ارادت و عشق خالصانه خود نسبت به میهنش آن را با توصیفات چو ایستاده، تواناترین، آفتاب، منظومه نفیس و ... معرفی می‌کند و می‌گوید:

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم
وطن من!
ای تواناترین مظلوم
تو را دوست دارم
ای آفتاب شمایل دریادل
و مرگ در کنار تو زندگی است
ای منظومه نفیس غم و لبخند
ای فروتن نیرومند!
ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند
و تو آن درخت گردوی کهن سالی
و بیش از آن که من خوف تبر را نگرانم
تو ایستاده‌ای ...

(همان: ۱۶ - ۱۵).

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۲۵

یا در نمونه دیگر، شاعر با درآمیختن عناصر ملی و اعتقادات مذهبی با یکدیگر به خلق تصاویر و مضامین بدیهی از وطن می‌پردازد:

ای رویین تن متواضع
ای متواضع رویین تن
ای میزبان امام
ای پوریای ولی
ای طیب، ای وطن من
درختان با اشاره باد
بر طبل جنگ سبز می‌کوبند
کباده بکش
علی را بخوان
صلوات بفرست.

(همان: ۲۲)

۲.۴.۲ طبیعت‌گرایی

اقلیم‌گرایی در شعر و داستان ادبیات معاصر جریانی خروشان و فعال است. شعرهای سلمان از خلوت شاعرانه او برمی‌خیزد. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر سلمان هرآتی پرداختن به طبیعت است، وی آرزوهایش را در قالب تشبیهاتی عینی و ذهنی با طبیعت تلفیق می‌کند و آن را با رنگ‌ها و اصوات شاعرانه همراه می‌سازد و با سلوک عرفانی و بینشی سورنالیستی به مخاطب ارائه می‌دهد:

ای مقتدای آب‌های آشوب
در روزگار جسارت مرداب
و گستاخی قارچ‌های مسموم
طوفان آخرین که
برگستره خاک خواهد گذشت ... احساس می‌کنم
عمارت‌ها بر شانه زمین
سنگینی می‌کنند ...

(همان: ۳۴-۳۰).

هراتی در اشعاری با استفاده از عناصر طبیعی، سعی در توصیف زمانه خودش داشته و این‌گونه بیان کرده است:

نگاهم پی خواهشی سبز می‌رفت
بهار آمد و با دلم گفتگو کرد
مرا با صدای تر آب‌ها خوانند
مرا با دل خسته‌ام روبه‌رو کرد
چنان با من از مرگ آلاله‌ها گفت
که روحم تب مرگ را آرزو کرد.
(همان: ۱۵۴)

۳.۴.۲ فقر و محرومیت

سلمان هراتی روستازاده‌ای است که طعم تلخ فقر و کمبود را با تمام وجود چشیده و لمس کرده است. نمود این مضمون را در تشبیه‌های اجتماعی شاعر در شعر «عید از دو نگاه» می‌یابیم:

عید تن‌پوش کهنه باباست
که مادر
آن را به قدر من کوک می‌زند...
عید سوپرمارکتی است
که انواع خوردنی‌ها در آن است
عید
بوتیکی است
که انواع پوشیدنی‌ها در آن هست
(همان: ۲۱۰-۲۰۹).

این تشبیهات شاعر نشان‌دهنده آرزوهای سرکوب شده مردمی است که چشم و دلشان از فقر پُر شده است، هراتی در جایی دیگر براساس این مضمون می‌گوید:

«من هم می‌میرم»

اما نه مثل گل بانو
که سر زایمان مُرد
پس صُغرا مادر برادر کوچکش شد
و مدرسه نرفت».

...»

من هم می میرم
اما نه مثل فاطمه از سرماخوردگی»

در این شعر، میزان بالای فقر موجود در جامعه را بیان می کند... کسانی که در طبقه پایین جامعه قرار داشتند و به علت کمبود امکانات زندگی به گونه ای که، مردم بسیاری جان خود را از دست می دادند و یا بخاطر فقر ترک تحصیل می کردند.

۴.۴.۲ احتکار و گرانی

در سال ۱۳۶۳ که اوج نبرد عراق با ایران بود، ایران به دلیل تحریم اقتصادی قادر به فراهم کردن کالاها نبود و هراتی می نویسد:

امسال سال موش است
سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی
نیرنگ را
در محضر موش اعظم تلمذ کردی
دلت مثل پستو تاریک است
... الهی اصلاً نداشته باشی
مردم که هیزم تری به تو نفروخته اند
تو را آمریکایی می دانند
آن ها از اینکه باید در صف بمانند
دلخور نیستند
من بارها دیده ام
برای خون دادن

چقدر صف را تحمل کردند
... الهی هر چه در پستو داری زنگ بزند
تو تشنه پولی
اما یادت باشد
ما هم کم نیستیم

(همان: ۱۰۰ - ۹۸).

۵.۴.۲ فاصله طبقاتی

بعد از انقلاب، ایران دچار نشیب‌هایی شد که ماحصل کمرنگ شدن ارزش‌های انقلابی و افزایش شکاف طبقاتی بود:

چرا سهم عبدا...
جریب جریب زحمت است و حسرت
و سهم ناصرخان
هکتار هکتار محصول است و استراحت
مگر عبدا... زیر بوته عمل آمده‌است
که صاحب هیچ زمینی نیست
... پس چرا عبدا... فقط کاشتن را بلد است
و ارباب برداشتن را؟
ما در مقابل آمریکا ایستاده‌ایم
اما چرا هنوز کیومرث‌خان خَرش می‌رود
عبدا... با داس
هرشب چند خوک سر مزرعه می‌کشد

(همان: ۲۰۲-۱۹۹).

یا: در منظومه «من هم می‌میرم» فاصله طبقاتی ارباب رعیتی را نشان می‌دهد و مضمون شعرش را اینگونه بیان می‌کند که مرگ حق همه است و هیچ کس در این دنیا جاودان نیست پس به چه دلیل دارد انسان‌هایی با عنوان رعیت در جامعه تحقیر می‌شوند و

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۲۹

تمام عمر خود را در خدمت به یک عده که به آنان فخر می فروشند و دستور می دهند
تباه می سازند و لذت زندگی را حس نمی کنند:

من هم می میرم
اما در خیابان شلوغ
در برابر بی تفاوتی چشم‌های تماشا
زیر چرخ‌های بی‌رحم ماشین
ماشینیک پزشک عصبانی
وقتی از بیمارستان دولتی بر می گردد
سپس دو روز بعد
در ستون تسلیت روزنامه
زیریک عکس خواهند نوشت
ای آنکه رفته‌ای
چه کسی سطل‌هایزباله را پُر می کند؟
(همان: ۱۹۸)

۶.۴.۲ غرب‌ستیزی

هراتی با نکوهش غرب‌گرایی، عامل بسیاری از ناامنی‌ها را سیاست جوامع غربی می‌داند. در
شعر «زمستان قرن بیستم» می‌نویسد:

هر حفره دیده‌بان گرازی از حرص برخاسته
نعره خنده‌ای کریه
که آسمان، درخت و ترانه را
اشغال کرده است
انباری از براده‌ای آهن و اتم
که یکبار در «ناکازاکی» و «هیروشیما» بارید
از آن پس، درختان
از موربانه انباشته می‌شوند

۳۰ ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

و پرندگان معلول به دنیا می‌آیند
(همان: ۲۳۰).

۷.۴.۲ بی‌خبری و غفلت

هراتی یکی از بیماری‌های انسان عصر خویش را، غفلت از معنویات و ارزش‌های والای انسانی می‌داند:

ما چقدر غافلیم
ما که بوی گیج آسفالت
عادت کرده‌ایم
و نشسته‌ایم هر روز کسی بیاید
زیاله را ببرد
چه انتظار حقیری

(همان: ۸۴-۸۸).

یا در نمونه‌ای دیگر، سلمان هراتی در منظومه «موسیقی چشمه‌ها» به غفلت آدمی اشاره می‌کند:

بسی سال‌هایی که بیهوده بیهوده بودیم
بس کوچه‌هایی که تا هیچ پیموده بودیم
بر چشمه‌امان گذر داشت خوابی هزاره
ای کاش آن روزها را نیاسوده بودیم
ای کاش فواره روشن جست جو را
با خاک خیس تعافل نیندوده بودیم
دل‌ها به زیر غبار غریبی نهان بود
ای کاش آینه‌ها را نیالوده بودیم
موسیقی چشمه‌ها را شنیدیم، رفتند
وقتی که آن سوی تنهایی آسوده بودیم

(همان: ۱۵۲)

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۳۱

شاعر می‌گوید ای کاش آینه دل‌هایمان غبار اندود نباشد تا نور خدایی در آن منعکس شود و خوشا به حال کسانی که رفتند و در راه خدا شهید شدند، ای کاش ما هم بی‌خبر از آن‌ها نبودیم. هدف هراتی از بیان این نکات در اشعارش خارج کردن مردم از گمراهی بوده است.

۸.۴.۲ تاریکی

سلمان در شعر «در نیمهٔ آخرین ماه بهار» با واژه‌هایی نظیر شب، دیو و ... فضای خفقان‌زده را نشان می‌دهد، اما این بار به تولد بهار و پایان روزهای ظلم امیدوار است:

با چشم‌های هیز

دجال‌وار

دشنه بر کف و دشنام بر لب

به نیزه‌های ایستادهٔ شب

تکیه داشتند

مردان هول

مردان وحشت و بیم

در جان شب

خوفی عظیم گذر داشت

خوف زوال خواب

بیم افول دیو

هر چند گاه

ترس تولد آفتاب

رعشه بر اندام خواب می‌افکند

...

مردی برهنه

چونان چشمه‌های صاف

دلگیر از همیشه تاریکی

فریاد را

از منتهای گلویش عبور داد
و پلک پنجره‌ها را
به باغ نور گشود
و بذر عشق را
به نیت تقوی
به خاک ریخت
شب زیون
دستی به حيله برد
و زهره پنجره‌ها
از سیاهی ترکید
و خاک، سوگوار آمدن شب بود
... در روزگار بعد
شب از تهاجمی پیروز
در خون نشست
و بذرهای عشق
از قلب‌ها شکفت
و آفتاب برآمد
از انزوای غربت و تبعید

(همان: ۲۰۶ - ۲۰۴).

۹.۴.۲ طنز

طنز موجود در آثار او اجتماعی، تلخ و سیاه است که کفه انتقاد در آن بسیار سنگین می‌شود؛ طنزی نیش‌دار که در عین حال دینی و انقلابی هم هست. هراتی با استفاده از زبان صریح و آشکار و به دور از هرگونه پیچیدگی و تکلف و خودآرایی هر آنچه را که می‌بیند و حس می‌کند به زبان شعر در می‌آورد. طنز وی در معنای واقعی و راستین است. قصد او بیان بیماری‌های اجتماعی و دردآورترین مسائل بشر و دغدغه‌های آرمانی در قالب شعر است. سلمان در منظومه‌ی «دوزخ و درخت گردو» جهان پیرامون و روند مناسبات

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۳۳

موجود در آن را به طنز می‌کشد و با طنزی ظریف و هوشمندانه اما تلخ و گزنده، جهان معاصر را سرزنش می‌کند:

کی می‌توان از سادگی تو گفت

و هم

به دریافت خرمهره «نوبل» نایل آمد

من فرزند مظلوم توأم

نه پایون می‌زنم

و نه پیپ می‌کشم

... و شعر من

عربده‌ی جانوری نیست

که از کثرت استعمال «ماری جوانا»

دهان باز کرده

...

دنیایی که انجمن حمایت از حیوانات دارد

...

و انسانی که

در بزرگداشت جنایت هورا می‌کشد

و سقوط را

با همان لبخندی که بر سُرْ سُرْ همی‌نشیند

جاهل است

انسانی که

راه کوره‌های مریخ را شناخته است

اما هنوز

کوچه‌های دلش را نمی‌شناسد

(همان: ۲۱ - ۱۷).

۱۰.۴.۲ نگاهی نو به عاشورا

سلمان بارها زیبایی عظمت و بزرگی عاشورا را در اشعارش نشان داده است. او در شعر سپید «آنان هفتاد و دو تن بودند» معتقد است همه کسانی که می‌خواهند آزاد و با شرافت زندگی کنند، باید حسین (ع) را سرلوحه خویش قرار دهند:

هفتاد و دو آفتاب

به ادامه انتشار کهکشان

از روشنان مشرق عشق

برآمدند

در گذرگاه حادثه ایستادند

پیراهن خستگی را

با بلند نیزه دریدند

پیش هجوم آنان

سینه دریدند

هفتاد و دو آفتاب از ایمان

که قوام زمین

در قیامشان نشسته بود

فروما یگان

دست تقلب را

در برابر شتابناکی ایشان گشودند

اینان به اعتماد خدا

به اعتصام خویش نماز بردند

(همان: ۲۶).

۱۱.۴.۲ آرمان‌گرایی دینی و انقلاب

از جمله مفاهیمی که در مکتب رئالیسم به‌خصوص رئالیسم اجتماعی وجود دارد؛ این آرمان‌گرایی هرگز با نگرش غربی آمیخته نمی‌گردد بلکه ریشه‌ی عرفانی دارد.

خدا! / دل سرمازده‌ام را
در قطیفه‌ای از نور بپوشان
دیشب یک سبد
پر سیاوشان از باغ تو چیدم
و برای این دل مسموم جوشاندم
تا بیایی
اینجا روح مجروح تنهاست
تنهاتر از تنهایی، بی پناهی
اینجا نه اینکه تو نیستی
اینجا من کورم
یک شب به خانه من بیا
تم را در چشمه نور می شویم
برهنه‌تر از آب
از پله‌ها بالا می آیم
آنگاه در برابر تو خواهم مرد
امشب هوای چشم من بارانی است
دلم را می خواهم
پیش تو جا بگذارم
زیر همان درخت
که پیغمبرانت شنیدند
روی بافه‌ای از شب‌نم و اشک
ای نور نور
چگونه می توان رو به روی تو ایستاد
بی آنکه سایه‌ای
سنگینمان کند
بیا و مرا
با عشقی ابدی هم آشیان کن
(همان: ۵۴).

۱۲.۴.۲ باور مرگ

هراتی شعرهایی دارد که بنا مضمون اصلی آن مرگ است. مثلاً شعر «دوام باغچه»:

هوا کبود شد این ابتدای باران است
دلا دوباره شب دلگشای باران است

....

اگر چه سینه من شوره زار تنهایی است
ولی نگاه ترم آشنای باران است

....

بیا دوباره نگیریم چتر فاصله را
که روی شانه گل جای پای باران است
نزول آب حضور دوباره مرگ است
دوام باغچه در های های باران است

(همان: ۲۸۵-۲۸۴)،

منظور شاعر این است که وقتی امام می آید و جمهوری اسلامی بر پا می گردد، وطن بهارگونه می شود و از شادی لذت می بریم؛ به گونه ای به حیات دوباره بعد از مرگ اشاره دارد.

۱۳.۴.۲ رهبری

با توجه به ریشه های اعتقادی شیعه که در عصر غیبت، فقهی جامع الشرایط مرجع امور مردم و سرپرست آن هاست، مسأله تبعیت از رهبری از جهت اعتقادی، ملی و توجه به آرمان های جامعه اسلامی ایران از جایگاه والایی برخوردار است. در این میان امام خمینی (ره) به عنوان محبوب ترین و تأثیرگذارترین شخصیت سیاسی و مذهبی در اشعار انقلاب اسلامی حضور دارد. هراتی از جمله شاعران متعهدی است که به امام (ره) در اشعارش توجه فراوان کرده است. او در یک رباعی امام را همچون بهاری بر دل سرمازدهی مردم ایران توصیف می کند:

باور کنیم

دست های بهار آور امام را

بهار

ادامه لبخند اوست

(همان: ۶۳-۶۲)

و در رباعی دیگری در وصف امام می نویسد:

حرف تو به شعر ناب پهلو زده است

آرامش تو به آب پهلو زده است

پیشانی ات از سپیده مشهورتر است

چشم تو به آفتاب پهلو زده است

(همان: ۱۶۹).

بر موارد ذکر شده می توان مؤلفه های «شهدا و تکریم آنان»، «تجلیل از شهیدان با ذکر نام»، «باور ملی»، «عشق های مجازی» و «برای مرحوم سهراب سپهری» را نیز افزود.

۳. نتیجه گیری

بررسی اشعار سلمان هراتی بر مبنای آرای پیر بوردیو نشان می دهد کهوی به عنوان شاعر دهه شصت، در دورانی که جوانان کشورمان برای دفاع از میهن راهی جبهه می شدند، با منش های خاص خود در میدان ادبیات به کنش های شاعرانه پرداخته است. میدان ادبی در آثار او به چهار زیرمجموعه تقسیم شد که عبارتند از: میدان اجتماعی، میدان انقلابی، میدان مذهبی و میدان فرهنگی. همچنین در زمینه منش شعری، رفتارهای نهادینه شده او که شامل تربیت خانوادگی، رویکرد فکری، جهان بینی و علاقه مندی هایش می شود، برجسته تر است. بر این اساس کنش های شاعر با توجه به منش خاص او و سرمایه هایی که در اختیار داشته در میدان های شعری اش تأثیر گذاشته است. کنش هراتی پیامد رابطه میان منش او و میدان یا فضای اجتماعی و انقلابی جامعه است و قابل تقلیل به یکی از آنها نیست، بلکه منش و میدان (فضای اجتماعی) لازم و ملزوم یکدیگرند و در پیوند با هم معنا دار می شوند.

هراتی به عنوان یک عامل اجتماعی توانست بیماری های اجتماعی زمان خود (احتکار و گرانی، فقر و محرومیت، غرب گرایی و فاصله طبقاتی) را نکوهش کند. او در میدان

اجتماعی پیوسته به دنبال پاسخی به این پرسش است که چرا عده‌ای در جهان با عنوان سلطه‌گر به فرودستان امر و نهی می‌کردند و مردم قادر به اعتراض نبودند. در میدان فرهنگی، هراتی با بیان حال و هوای جبهه و نحوه‌ی مقابله با دشمنان در اشعارش رشادت‌های رزمندگان را برای دانش آموزانش توصیف می‌کرد.

کتاب‌نامه

- الهی قلعه، فرزانه (۱۳۹۴). «تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج بر اساس نظریه‌ی منش و میدان پیر بوردیو»، مرتضی محسنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران.
- بونوتیز، پاتریس (۱۳۸۹). *درس‌هایی از جامعه‌شناسی پیر بوردیو*، ترجمه‌ی جهانگیری و حسن‌پور. تهران: نشر آگه.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه‌ی کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها، چاپ هفتم، تهران: نشر نقش و نگار.
- پرستش، شهرام (۱۳۹۳). *روایت نابودی ناب - تحلیل بوردیویی بوف کور در میدان ادبی ایران*، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- پرستش، شهرام و احمد رضایی و امین کریمی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در میدان تولید ادبی ایران»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۲، شماره ۷، صص: ۱۱۵-۱۳۷.
- پژمانفر، صبا و احمد ذاکری و سید حسین نبوی (۱۳۹۹). «تحلیل بوردیویی میدان تولید ادبی شاهنامه و عادت‌واره‌ی فردوسی»، *پژوهش‌نامه‌ی ادب حماسی*، سال شانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۹، صص ۱۰۱-۱۲۴.
- جمشیدی‌ها، غلام‌رضا و پرستش، شهرام (۱۳۸۶). «دیالکتیک منش و میدان در نظریه‌ی عمل پیر بوردیو»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، شماره ۳۰، دسترسی در بهار ۱۳۸۶، نشانی:
<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=70169>
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). *پیر بوردیو*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نی.
- خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۵). *پژوهشی در زندگی و شعر سلمان هراتی (آشنای شالیزار)*، ساری: نشر شلفین.
- خادمیان، طلیمه (۱۳۸۷). *سبک زندگی و مصرف فرهنگی (مطالعه‌ی در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ی بر سبک زندگی ایرانیان)*، تهران: موسسه فرهنگی-هنری جهان کتاب.

سرمایه، منش و میدان تولید ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۳۹

ریتزر، جورج (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نی.
سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵). *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، تهران: پالیزبان.
مجله‌ی گلبرگ (۱۳۸۴). «شاعر آسمان سبز (درگذشت شاعر انقلابی، سلمان هراتی)»، شماره ۶۸،
آبان ۱۳۸۴.

گرنفل، مایکل (۱۳۹۳). *مفاهیم کلیدی پیربوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی، با مقدمه‌ای از
محمد عبداللهی، چاپ دوم. تهران: نشر نقد افکار.
هراتی، سلمان (۱۳۸۰). *مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی*، تهران: دفتر شعر جوان.